|  |
| --- |
| مقطع تحصیلی:کاردانی🞏کارشناسی🞎 رشته:.روابط عمومی...................ترم:.....اول......سال تحصیلی: 1398- 1399 نام درس:...روان شناسی اجتماعی....... نام ونام خانوادگی مدرس:.......آزاده نجفی.....................................آدرس emailمدرس:.................drnajafi.99.  |
| جزوه درس:......روان شناسی اجتماعی مربوط به هفته : هفتم text: دارد 🞎ندارد🞎 voice:دارد🞎 ندارد🞎 power point:دارد🞎 ندارد🞎تلفن همراه مدیر گروه : ......................................09124058720...... **جلسه هشتم**اریک برن می گوید رفتارها ، افکار ، احساسات و عواطف مختلف انسان از بخش های مختلف شخصیت وی سرچشمه می گیرداجزاء شخصیت انسان را به سه بخش تقسیم می شودchild ego stageحالت کودک من  parent ego stage حالت والد منadult ego stage حالت بالغ من کودک به هنگام به دنیا آمدن، احساس های درونی و نیازهایی دارد که منجر به رفتارهایی در وی می شود . مثال با گرسنه بودن، می گرید و با تامین بودن ، می خندد.... و این حالت در کودکی پایان نمی پذیرد و تا بزرگسالی در افراد مختلف به انحاء مختلفی ادامه می یابد. این بخش شخصیت بدون هیچ تدبر ، فکر یا بررسی جوانب ، فقط با احساسات و لذات سرو کار دارد به دنبال لذت جویی و دفع درد و رنج استسه خاصیت کلی " حالت من کودک " عبارت است : 1-هرگز از لذت جویی سیر نمی شود. 2-آینده را نمی بیند3-خواسته اش را به تاخیر نمی اندازداحساسات منفی ، خالقیت ، کنجکاوی ، علاقه به دانستن ، اصرار به تجربه کردن و احساس کردن از جمله خصوصیات حالت من هستند. این بخش از شخصیت فرد را وا می دارد که هر چیزی را شخصا خودش تجربه کند . اصلا خویشتن دار نیست و به عواقب احتمالی رفتارش توجهی ندارد. تمایلی به رعایت قیود اجتماعی ، عرف ، مذهب ، قانون ، تعقل و... ندارد . انواع کودک درون : ما 2 نوع کودک درون داریم؛ کودک سازگار و کودک طبیعی. 1-کودک سازگار اصلا چیز خوبی نیست چون که کامل تحت تاثیر والد است؛ یعنی نوعی از کودکی کردن که والدین آدم دوست دارند و کامل تحت سلطه است. کودک طبیعی کاملا شاد و سرحال و بشاش است و اگر هم پرخاشگری میکند، به هرحال خودش است اما کودک سازگار فقط دارد دیکته والدین خودش و جانشینان والدینش در اجتماع ( از معلم گرفته تا همسر) را اجرا میکند و فقط هدفش مقبول بودن است. 2-کودک (انطباق یافته یا مطیع) ان بخش از شخصیت که رفتار خود را تحت تاثیر تربیت والدین تغییر داده واصلاح کرده است. جنبة مثبت ان موجب می شود بتوانیم در جامعه مورد پذیرش وتایید قرار بگیریم، مثال : )وقتی سر کار خیلی دلتان می خواهد یک چرت حسابی بزنید اما چون توی اداره جای چرت زدن نیست چای می خورید تا خواب از سرتان بپرد.( شما در (کودک مطیع مثبت) خود هستیداما گاهی وقت ها ما برای اینکه مورد پذیرش یا تایید دیگران قرار بگیریم اجازه می دهیم مورد تحقیر یا تمسخر انها واقع شده یا نادیده گرفته شویم. مثال )وقتی با وجود این که خیلی دلتان می خواهد از همسرتان بخواهید که شما را در رفتن به نزد پزشک همراهی کند تنها می روید وچیزی به او نمی گویید چون یاد گرفته اید که باید خودتان همه کارها را انجام بدهید.( شما در (کودک مطیع منفی)خود هستید. کودک انطباق یافته به انواع کودک مطیع، منزوی و پرخاشگر تقسیم میشود1-کودک »طبیعی«: آن بخش از شخصیت که آزاد, خالق, شاد و عاشق تفریح است وجنبه مثبت آن باعث می شود از زندگی لذت ببریم و با احساس های واقعی خود ارتباط برقرار کنیم, کودکی ماست قبل از این که تحت تعلیم وتربیت قرار بگیریم.مثال )وقتی به طبیعت می روید و از دویدن روی چمن ها و یا خیس شدن زیر باران لذت می برید.( شما در (کودک طبیعی مثبت)خود هستیداما جنبه منفی آن گاهی ما را به دردسر می اندازد. وقتی که دوست داریم بدون توجه به قواعد اجتماعی یا قانونی، کاری را فقط بخاطر این که دلمان می خواهد انجام دهیم. مثال )وقتی در جایی که حداکثر سرعت 110 کیلومتر است با سرعت 150 کیلومتر رانندگی می کنید.( شما در حالت (کودک طبیعی منفی)خود قرار دارید. حالت من والد: در سالهای اولیه کودکی ( مخصوصا 3 سال اول ) ، باید و نباید های زیادی از طرف والدین به کودکان تحمیل شده یا یاد داده می شود. این مجموعه عظیم از وقایع خارجی و تحمیلی غیر قابل سئوال در حالت من والد ثبت می گردد. و در آینده بخشی از شخصیت فرد را تشکیل می دهد . این بخش شخصیت ، مسئول خشک و متعصب کارهای انضباطی فرد ، قانون مداری ، باید ها و نبایدها در افراد مختلف است. وقتی فردی بدون توجه به احساسات و عواطف ، یا بدون توجه به تعقل و منطق به امری مبادرت می کند و یا صحبت می کند و یا دیگران را مجبور به انجام چنین اموری می نماید از این بخش شخصیت خود استفاده میکند .همانطور که بعدا خواهیم گفت، 3 بخش شخصیت در هر فرد وجود دارد ولی مقدار اثر گذاری آنها از فردی به فرد دیگر فرق می کند همچنین حاکمیت شخصیت در هر فرد ممکن است به عهده یکی از این اجزاء باشد که هر کدام طبیعتا حکومت های متفاوتی را بنا خواهند گذاشت.پس شخصیت افراد متفاوت خواهد شد. شاید شما کسانی را دیده باشید که برای آنها زندگی کار است و کار است و کار و یا کسانی را دیده باشید که بسیار سخت گیر و منضبط هستند، به مانند یک نیروی نظامی مقید به ترتیب و توالی خاصی هستند و هیچ انعطافی را در زندگی نمی پذیرند . این افراد باید سر ساعت خاصی بیدار شوند یا به رختخواب بروند و استثنائی بر این امر قائل نیستند، اضافه کاری و غرق شدن در کارهای جدی چنان است که تفریح و سرگرمی خانواده ، دوستان و فرزندان شان بی اهمیت جلوه می کنند، جلسات متعدد دارند، قرارهای متعدد دارند، در شیوه تربیتی سخت و خشک و متعصب عمل می کنند، دیدن خنده آنها مانند خورشید گرفتگی هر چند سال یکبار در یک زمان کوتاه اتفاق می افتد و البته آنها هم روی نظم معین خودش که می توانید رصد کنید. والد به ۲ دسته تقسیم می شود :والد حمایتگر: با علاقه از دیگران حمایت میکند. قدرتمند و کارآمد است و اهل نوازش، به همین دلیل به او احترام میگذارند. والد سرزنشگر: همانگونه که پیداست انگشت بر نقاط ضعف و ایرادات افراد میگذارد. سختگیر و گاهی آزاردهنده است. اطرافیان از عملکردش دچار ترس و واهمه میشوند. باعث میشود تا دیگران حس بدی نسبت خود پیدا کنند. او محترمانه حکم نمیکند چون قدرت نظارت یا ریاست بر دیگران را دارد بر آنها امر و نهی میکند. .والد حمایتگر Nurturing Parent آن بخش از والد که جنبه مثبت آن، به انسان کمک می کند تا یاد بگیرد چگونه کارها را انجام دهد شامل عشق، حمایت و تشویق هایی است که در زندگی تجربه کرده ایم. مثال وقتی به فرزندتان می گویید )مطمئن هستم که تو می توانی راه حل مناسبی برای این مشکل پیدا کنی.( شما در (والد حمایتگرمثبت)خود هستید. اما جنبه منفی آن با حمایت های بیجا و بی مورد، والد حمایتگر باعث می شود ما احساس ناتوانی و ضعف کنیم و برای انجام امور مختلف به بزرگترهایمان وابسته باشیم. مثال وقتی به فرزندتان می گویید(فکر نمی کنم بتونی حرفتو به معلمت بزنی بذار من باهاش صحبت کنم.( شما در (والد حمایتگر منفی)خود هستید والد سرزنشگر یا انتقادگر یا مستبد Critical Parent/Controlling parent- آن بخش از والد که توصیه های جنبه مثبت آن برای حفظ سالمتی وتندرستی الزم است, چگونه باید مواظب خودمان باشیم که زنده بمانیم, مریض نشویم یا جایگاه اجتماعی خود را حفظ کنیم. مثال وقتی به فرزندتان می گویید )قبل از غذا حتما باید دستهایت را بشویی.( شما در والد سرزنشگر مثبت خود هستید. اما جنبه منفی آن با انتقادهای مداوم وبی پایان آرامش را از ما می گیرد. دائم درباره ما قضاوت می کند و به ما می گوید چه باید بکنیم، چگونه باید باشیم، چگونه باید فکر کنیم، حرف بزنیم و غیره. این بخش از والد هرگز از انتقاد، سرزنش و عیب جویی از ما دست برنمی دارد و در این کار کم نمی اورد. افراد متعصب و مستبد اغلب در والد سرزنشگر منفی خود هستند. وقتی به خودتان می گویید )تو حتی نمی تونی یک کار به این سادگی رو انجام بدی.( شما در (والد سرزنشگر منفی) خود هستید. برخی از پیام های والدی اشاره می کنیم: به بزرگترها سالم کن دختر که در جمع بلند نمی خنده مرد که گریه نمی کنه پسر خوب پسری هست که... به قوانین احترام بگذار حالت من بالغ: در واقع مجموعه ای از احساسات ، نگرشها و طرح های رفتاری خود مختار و مستقل است که فرد را با واقعیت های موجود تطبیق و هماهنگی می دهد. این بخش شخصیت است که تجزیه و تحلیل می کند، آینده نگری می کند، میان احساسات و تعقل فرد تعادل برقرار می کند، احتمالاتی را که برای حل و فصل موثر دنیای خارج ضروری هست، محاسبه می کند، فعالیت های دو بخش قبلی ( کودک و والد ) را تنظیم می کند و واسطه عینی شدن میان آنهاست .**خلاصه فصل****اجزاء شخصیت انسان را به سه بخش تقسیم می شود****child ego stageحالت کودک من**  **parent ego stage حالت والد من****adult ego stage حالت بالغ من** **سه خاصیت کلی " حالت من کودک " عبارت است :** **1-هرگز از لذت جویی سیر نمی شود.** **2-آینده را نمی بیند****3-خواسته اش را به تاخیر نمی اندازد** **ما 2 نوع کودک درون داریم؛ کودک سازگار و کودک طبیعی.****کودک انطباق یافته به انواع کودک مطیع، منزوی و پرخاشگر تقسیم میشود****والد به ۲ دسته تقسیم می شود :****والد حمایتگر: با علاقه از دیگران حمایت میکند. قدرتمند و کارآمد است و اهل نوازش، به همین دلیل به او احترام میگذارند.** **والد سرزنشگر: همانگونه که پیداست انگشت بر نقاط ضعف و ایرادات افراد میگذارد.**  |